



پیشنهاد تماشای چند فیلم درباره خدا باوری

به دنبال یک نیروی دیگر

زهرا صالحی نیا

خبرنگار

میل به ارتباط با عالم غیب و ایمان به عالم غیب و وجود قدرتی ماورای قدرت بشر در فطرت هر انسانی وجود دارد. این مساله در لحظات سختی بیش از پیش خود را نشان می‌دهد. در دنیای سینما نیز این دغدغه بازنمایی شده، اگرچه با توجه به رویکردهای فردی و اعتقادی بازنمایی این میل فطری به شکل‌های متفاوتی بوده.

تمام افراد و نگاه‌ها تحلیل و نگرشی مشابه نسبت به اعتقاد به عالم غیب و خدا باوری ندارند. برای نمونه نگاه توحیدی ما که از آموزه‌های اسلامی می‌آید، متفاوت با نگرش‌های افراد در ادیان و حتی مکاتب فکری مختلف است. در نظر گرفتن این نکته در تماشای فیلم‌هایی با این مضمون به ما این امکان را می‌دهد بدانیم اگرچه فیلمساز برای نمایش این میل فطری تلاش کرده اما ممکن است خروجی کار به علت دخیل بودن تفکر فردی کارگردان، رویکردی توحیدی و قابل استناد کامل نداشته باشد. با این حال دیدن این آثار با در نظر گرفتن این نکات و توجه به اصل حرفی که در پشت فیلم زده شده، قابل بررسی و اعتناست. ماه مبارک رمضان فرصت خوبی است تا فیلم‌هایی با چنین مضامینی ببینیم.

جاذبه

فیلم با نمایی جذاب از زمین از فاصله دور و از یک ایستگاه فضایی آغاز می‌شود، کوچک و آسیب پذیر بودن انسان در مواجهه با عالم هستی، در همان نماهای ابتدایی به رخ کشیده می‌شود. فیلم داستان گروهی است که برای نصب یک قطعه در ایستگاه فضایی در حال فعالیت هستند. در میان این گروه، خانم دکتری حضور دارد که نخستین سفر خود به خارج از جو زمین را تجربه می‌کند. حادثه‌ای باعث می‌شود تمام برنامه گروه تغییر کند و جان اعضای گروه به خطر بیفتد. از میان اعضای گروه تنها دکتر به کمک فرمانده گروه زنده می‌ماند. در این مسیر ما متوجه داستان زندگی دکتر می‌شویم، دکتر دختر بچه خود را در حادثه‌ای از دست داده و همین مساله باعث شده او نگاهی به زندگی و حوادث دنیا و آنچه اتفاق می‌فتد نگاهی سرد و بی‌اعتنا باشد، گویی زندگی برای او دیگر ارزشی ندارد.

دکتر که در بی‌انتهایی بی‌جاذبه فضا سرگردان است، مرحله به مرحله تلاش و اشتیاقش برای زندگی بیشتر می‌شود و این اشتیاق گویی او را به سویی می‌برد که دست به ریسمان نامرئی انداخته و از قدرتی ورای قدرت‌های بشری کمک طلب کند. در نمایی که گویی از همه جا ناامید شده، قطره اشکش در فضای بی‌جاذبه در زاویه دوربین به سمت بالا حرکت می‌کند و انگار از قدرتی که نمی‌شناسد اما به وجودش ایمان دارد، طلب کمک می‌کند. آن هم در شرایطی که امیدی به کمک از هیچ جا ندارد.

دکتر با سختی و مراحل متعددی به سمت زمین حرکت می‌کند و قدم گذاشتنش به روی زمین مانند تولدی دوباره است که با امید و اعتقاد به نیروی ورای نیروی خود و آنچه زندگی‌اش را راهبری می‌کند همراه است. نگاهی که در فیلم جریان دارد، نشان از این دارد که کارگردان به وجود خدا اعتقاد دارد اگرچه این خدا می‌تواند تصویر یک قدیس باشد.

هورتن صدایی می‌شنود

بر پایه داستانی با همین نام از دکتر سوس معروف است که کتاب‌های فراوانی برای کودکان داد. هورتن، فیل سرخوش و متفاوتی است که نگاه مهربان و عمیقی به دنیای اطراف خود دارد اما کسی او را جدی نمی‌گیرد. هورتن صدایی از یک ذره غبار می‌شنود و وقتی بیشتر دقیق می‌شود متوجه می‌شود صدا از روی ذره غباری می‌آید و صدا به او درباره شهری می‌گوید که بر روی این غبار قرار دارد. هورتن تلاش می‌کند به دوستان و اطرافیانش ثابت کند که آنچه نمی‌بینند هم وجود دارد، و همچنین شهردار شهر، استیو هم تلاش می‌کند مردم شهر را قانع کند که دنیای بیرون دنیای آنها نیز موجودیتی وجود دارد و آنها لازم است به آن دنیا و به هورتون خود را ثابت کنند و با او ارتباط برقرار کنند.

توجه به وجود عالمی دیگر و دستی بالای دیگر دست‌ها، در این فیلم با روایتی کودکانه به تصویر کشیده شده است. مساله ایمان به چیزی که نه می‌بینیم و نه لمس می‌کنیم مساله اصلی فیلم است. هورتون و شهردار تلاش می‌کنند از طریق نشانه‌ها اطرافیان خود را به حضور و وجود دنیای دیگر آگاه کنند. روز و شب شدن در شهر داخل غبار و دست بردن در زمان روشنائی و تاریکی از نشانه‌هایی است که شهردار سعی می‌کند به مردم شهر درباره آن بگوید و این تغییرات در دست نیرویی است که مردم شهر آن را نمی‌بینند اما از نشانه‌هایی به قدرت او پی می‌برند.

ضد قهرمان داستان نیز کانگورویی است که مقابل هورتن ایستاده و تلاش می‌کند همه چیز را با نگاه خود و با استدلال‌هایش به اطرافیان ثابت کند. کانگورو معتقد است چون چیزی را نمی‌بیند پس وجود ندارد و حتی اجازه نمی‌دهد هورتون دلایل خود را بیان کرده یا حتی دیگران را با احتمالات و شرایط جدید آشنا کند. در انتها مردم شهر در اتحاد با یکدیگر، یکصدا شده و موجودیت خود را با صدای بلند اعلام می‌کنند و درخواست کمک و اعلام حضور می‌کنند. این بازنمایی از اعتقاد و نوعی نگاه عمیق به عالم غیب در یک اثر کودکانه است که ذهن آنها را آماده توجه به مساله خدا و عالم غیب می‌کند.

نشانه‌ها

ساخته «ام. نایت. شیامالان» است. شیامالان بیشتر با فیلم حس ششم شناخته شده است که در آن فیلم هم به مساله اعتقاد به دنیای پس از این دنیا اشاره کرده و عالم روح را به نحوی به تصویر کشیده است. فیلم نشانه‌ها در ظاهر فیلمی علمی. تخیلی است اما در واقع درباره اعتقاد است. داستان فیلم درباره مردی است که پیش از مرگ دردناک همسرش در تصادفی کشیش و خدا باور بوده اما حادثه باعث شده او دست از اعتقادات و کار خود بکشد. در این میان اتفاقات و نشانه‌های عجیبی از موجودات فرازمینی در مزرعه‌اش مشاهده می‌کند و می‌کوشد شرایط را برای فرزندان خود امن نگاه دارد اما کنترل تمام اتفاقات در دست او نیست. بیگانگانی به زمین و مزرعه او حمله می‌کنند و تلاش‌های گراهام برای نجات خانواده‌اش بی‌فایده است. پسرش در شرایط سختی میان زندگی و مرگ می‌ماند و اینجاست که گویی ایمان فراموش شده گراهام به کمکش می‌آید. در جایی که امیدی به هیچ نیروی جز نیروی خداوند نیست، گراهام دست یاری به سوی خدا دراز می‌کند و ایمان رفته‌اش باز می‌گردد. نگاه به محتوای فیلم و جانمایه آن با کنار زدن داستان‌های فرعی اتفاق می‌افتد. داستان حمله بیگانگان پوسته ظاهری فیلم است و مساله ایمان گراهام خط اصلی و درونمایه فیلم است که داستان را راهبری می‌کند. در زمان دیدن فیلم همواره در حال دوره کردن داستان اصلی فیلم و خط روایت شخصیت‌ها باشید. رسالت و ابتدا و انتهای هر شخصیت و ارتباطش با داستان به شما کمک می‌کند هرچه بیشتر به نگاه کارگردان نزدیک شوید.